قطعه ای منسوب به دهخدا

غیور، حسین

گوش گشتم وز سخن لب دوختم‏ زان سخندان نکته‏ها آموختم‏ کوشش من ریخت از نوک قلم‏ نسخه‏ای جامع ز"امثال و حکم‏" چاپ شد از نسخهء من آن کتاب‏ نیز در تصحیح آن کردم شتاب‏ چار جلدی چاپ شد با سعی من‏ دهخدا تصدیق کرده است این سخن‏ زانکه او هم با خط زیبای خویش‏ پشت آن تألیف بیهمتای خویش‏ کرده یاد از کوشش و همکاریم‏ راد مردانه ستوده یاریم....

قطعه‏ای منسوب به دهخدا

قطعه‏ای را که به نظرتان می‏رسد چندسال پیش آقای اسمعیل صفری که مردی شاعر و شعرشناس است برای بنده خواند و اظهار داشت که از آثار چاپ نشدهء علامهء دهخدا است.بنظر بنده این قطعه چنان با سبک دهخدا جور درآمد که آن را در حاشیهء دیوان‏ دهخدا که دارم نوشتم.چون در یکی شمارهء مجلهء آینده از آثار چاپ نشدهء دهخدا ذکری به میان آمده بود وظیفهء خود دانستم که این قطعه را برای درج در مجلهء آینده‏ بفرستم.

حسین غیور

آنچنان مردم که طشت از زن نهان‏ داد با خمار و رطلی درکشید پس صداعش کرد اشکوفش فتاد بانگ می‏زد زن که طشتش آورید گفت مرد ار مرده ری بعودی بجای‏ این منش کردم به من چون می‏رسید

رساله‏ای در احوال دهخدا

در شمارهء 7-10 سال پنجم که به دهخدا اختصاص یافته بود مارجعی که در احوال‏ دهخدا است بر شمرده شد و در آن موقع فراموش شد که نام کتاب مفید و قابل‏توجه به نام‏ "احوال و افکار استاد علی اکبر دهخدا"

نوشتهء عباس قنبرزاده(تهران،انتشارات پویش،1355)در 84 صفحه گفته‏ شود.اینک درینجا ذکر شد که علاقه‏مندان به تحقیق در احوال دهخدا بدین رساله نیز بنگرند.